

در نشست «گفتمان فرهنگی انقلاب» با موضوع «جشنواره فیلم فجر» عنوان شد؛

جشنواره فیلم فجر هویت خود را فراموش کرده است

اولین نشست «گفتمان فرهنگی انقلاب» با موضوع «بررسی کارنامه جشنواره فیلم فجر» با حضور محمود گبرلو، بهروز افخمی، محمدتقی فهیم، شاهین امین و محمدمهدی شیخصراف در سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد.

به گزارش سرویس فرهنگی ایسکانیوز به نقل از روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری؛ عصر روز گذشته (یکشنبه ۲۳ دی ماه) اولین نشست گفتمان فرهنگی انقلاب با عنوان جشنواره فیلم فجر؛ فرصت‌ها و تهدیدها به بررسی کارنامه سی‌وشش دوره برگزاری جشنواره فیلم فجر با حضور بهروز افخمی، شاهین امین، مهدی شیخصراف، محمدتقی فهیم و محمود گبرلو در سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد. سلسله نشست‌های گفتمان فرهنگی انقلاب توسط روابط عمومی و محافل سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار می‌شود.

در آغاز مراسم؛ یزدان عشیری مدیر روابط عمومی و محافل سازمان سینمایی حوزه هنری گفت: سلسله نشست‌های تحلیلی گفتمان فرهنگی انقلاب با هدف تبیین ضرورت‌ها، نیازهای فرهنگی و چالش‌های پیش رو طراحی شده و هر بار به سراغ موضوعات مهم فرهنگی و سینمایی می‌رویم.

وی ادامه داد: با توجه به چهل سالگی انقلاب و فرارسیدن جشنواره فیلم فجر برنامه ریزی کردیم تا نشست‌هایی با موضوع جشنواره فیلم فجر؛ فرصت‌ها و تهدیدها پیش بینی کنیم و طی چند جلسه در گفتگو با منتقدین، سینماگران و مدیران سینمایی به بررسی فراز و فرود سی و هفت دوره این رویداد سینمایی بپردازیم.

به گفته وی، جشنواره فیلم فجر همه ساله برگزار می‌شود و با فرارسیدن آن همه در هیاهو و فضای فیلم‌ها غوطه ور می‌شویم و کمتر به آسیب شناسی و تحلیل ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و حتی، آسیب‌های آن به صورت کارشناسی می‌پردازیم. از این رو، امیدواریم این سری نشست‌ها به آسیب شناسی، رشد و بالندگی جشنواره فجر کمک نماید.

مدیر روابط عمومی و محافل سازمان سینمایی حوزه هنری خاطرنشان کرد: این مراسم با محوریت بررسی و آسیب شناسی جشنواره فیلم فجر، ضرورت‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها و سیر فراز و نشیب‌های آن در ادوار گذشته مورد بحث و گفت و گو قرار گرفت. در شرایطی که جشنواره فیلم فجر به عنوان اقدامی فرهنگی کارکردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در جامعه به همراه دارد، فضای هنری قالب بر سینمای امروز از این قابلیت‌ها غافل شده و در آستانه برگزاری این رویداد مهم، نیاز به آسیب شناسی و جبران کمبودها در این عرصه به امری اساسی در فرهنگ ما تبدیل شده است. بدین منظور منتقدان و تحلیل گران سینمایی در راستای رشد، تقویت و بالندگی سی و هفتمین دوره از جشنواره فیلم فجر به مناظره فرهنگی و بررسی راهکارها پرداختند.

بهروز افخمی: از آغاز آشنایی با سینما و شروع فعالیت‌م در این عرصه حس خوبی به جشنواره فیلم فجر نداشته‌ام و اصولاً این اتفاق را با تماشای فیلم‌های ساخته شده بی ربط می‌دانم چرا که معتقدم برگزاری این جشنواره تنها وقت گذرانی با عوامل فیلم است که بدون هیچ انگیزه فرهنگی صورت می‌گیرد. در حال حاضر به تدریج وارد سیر تحول جشنواره‌ها و تبدیل آن به حاشیه‌های سینما و اهالی هنر شده ایم. به طور کلی فستیوال‌های فیلم به عناصری ضروری در صنعت فیلمسازی تبدیل شده و طی ۲۵ سال اخیر با رشد و گسترش اینترنت

ضرورت وجودی مدرسه‌های سینمایی را از بین برده اند. در واقع فضای جشنواره‌ها به دورهمی‌های فیلمسازان جوان تغییر کاربری داده و شرایط را برای اکران فیلم‌هایی که احتمال مانور و ظهور آنها در سینماهای کشور غیر ممکن است، به نحوی فراهم کرده است. با گذشت زمان، بروز جشنواره‌های مختلف فیلم نیز ضرورت بیشتری پیدا کرده و به پله‌هایی برای ترقی فیلمسازان تبدیل شده است. در این میان مدارس سینمایی که زمانی فرصتی برای حضور فیلمسازان بوده است، امروزه در فضای اینترنت دایر شده و جنبه‌ای از این مدارس که قابلیت انتقال مفهوم در فضای مجازی را ندارند، در فضای جشنواره‌ها ظهور پیدا کرده و با در دسترس قرار دادن اطلاعات فنی و تجربه مشارکت حضوری، منجر به کشف فیلمسازان حرفه‌ای شده است. فیلمسازان جوان و تازه کار آینده سازان سینمای ایران هستند اما با مقاومت سینمای حرفه‌ای در برابر نسل جدید، ظهور جشنواره‌های مختلف فیلم و ایجاد ظرفیت‌ها تنها راهکار برای فعالیت نیروهای تازه کار محسوب می‌شود که خوشبختانه با رشد خوبی همراه بوده است.

جشنواره به فضای خوشگذرانی تبدیل شده است/ جشنواره هویت خود را فراموش کرده است

محمود گبرلو: تقویت جشنواره فیلم فجر نیاز به ریشه‌یابی مشکلات موجود دارد در حالی که در طی ادوار گذشته تمام دغدغه سینماگران و مسئولان توجه به فیلم‌ها بوده و از کارکرد قدرتمند سینمای ایران در نظام جمهوری اسلامی غافل مانده اند. در گذشته تولیدات یکساله فیلمسازان در مدت کوتاهی دیده شده و مورد ارزیابی قرار می‌گرفت و در نهایت سیاستگذاران را به سیاست‌های ضروری سینمایی آگاه می‌کرد. به طور کلی مفهوم تولید فیلم ربطی به سیاست‌گذاری، سانسور و انتخاب فیلم ندارد. در دهه اول و دوم جشنواره فیلم فجر شاهد تاثیرات پرباری از این رویداد بزرگ بوده ایم که به جرأت در احراز جایگاه واقعی سینمای ایران موفق بوده اما با گذشت زمان شتاب و موفقیت این اقدام فرهنگی فروکش کرده و متأسفانه در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب، یأس برخی از فیلمسازان نسبت به عملکرد جشنواره آنها را از حضور در جشنواره منصرف کرده است چرا که فستیوال‌های فیلم کارکرد خود را از دست داده و هویت خود را فراموش کرده است. ایجاد فضای تبلیغاتی برای برخی فیلم‌ها و شایسته‌سالاری نسبت به فیلمسازان بر این بی‌میلی دامن زده است. این درحالی است که در مقطعی از زمان قرار بود عملکرد یکساله سینمای ایران مورد ارزیابی قرار گیرد و این امکان در جشنواره فراهم بود اما به مرور زمان جایزه دادن‌ها و سیاست‌های اعمالی به یک بی‌برنامگی و بی‌هویتی تبدیل شد و منتقدان و سیاستگذاران را نسبت به این رویداد بی‌تفاوت کرده است. که البته با گذر زمان کارکردها تغییر میکند و امکان ایجاد ثبات در هویت وجود دارد. در حال حاضر سیاست خاصی در جشنواره وجود ندارد و مسئولان مربوطه پاسخی نسبت به بی‌هویتی این اقدام فرهنگی ندارند. براین اساس اگر جشنواره بر آرمان‌های انقلاب است پس گنجایش هر فیلمی را ندارد و اگر هم جشنی برای شور و هبجان است باید فیلم‌های تلخ اجتماعی را از این عرصه خارج کرد. به طور کلی، جشنواره فیلم با تبعیت از سیاست‌ها و برنامه ریزی دقیق به ثمر می‌رسد و با توجه به افکار تماشاگر به نتیجه نسبی دست می‌یابد اما با بی‌خاصیتی‌های اخیر جشنواره فیلم فجر، نتیجه قابل قبولی از عملکرد مناسب به دنبال نداشته و کارکردی ضد سینمای ایران را نشان می‌دهد. بنابراین اگر این جشنواره در سایه حفظ هویت و اعمال سیاست‌گذاری‌های درست فعالیت می‌کرد همه فیلمسازان با افتخار بزرگترین رویداد فرهنگی کشور شرکت می‌کردند. اما متأسفانه جشنواره در سیاست‌گذاری، اندیشه و اسم همسو با اهداف تعریف شده نیست و به خوشگذرانی تبدیل شده است. در یک مقطعی به وسیله جشنواره فیلم فجر عملکرد یک ساله سینمای ایران ارزیابی می‌شد اما به مرور زمان این حضورها و جایزه دادن‌ها به یک بی‌برنامگی تبدیل و باعث شد جشنواره خاصیت و اهمیت خود را از دست بدهد البته می‌دانم که ممکن است به مرور زمان هر جشنواره‌ای دچار تغییرات شود ولی می‌شود ماهیت جشنواره را ثابت نگه داشت اما این اتفاق برای فجر رخ نداد به طوری که حالا این رویداد تبدیل به محلی برای گذران اوقات شده است البته این حرف من به معنی این نیست که فیلمسازان ما مشکل دارند بلکه انتقاد من به سیاست‌های جشنواره است.

مستأجر بودن جشنواره فجر بعد از ۳۷ دوره برای جامعه هنر ما شرم آور است

شاهین امین: در همه دنیا، ایجاد شور، انگیزه و امکاناتی است که در فرصت‌های عادی اکران فیلم رخ نمی‌دهد و با افزایش فستیوال‌های مختلف امکان فعالیت از مدارس سینمایی سلب و اکران‌های ویژه را منتفی کرده است. بنده با نظر گبرلو نسبت به بی‌هویتی جشنواره فیلم

فجر موافق هستیم چرا که در ادوار اخیر تکلیف مسئولان جشنواره فیلم فجر برخلاف مدیران گذشته روشن نیست در گذشته سینمای ضعیف کشور ما با اکران فیلم‌هایی محدود در جشنواره به دنبال رونق بخشیدن به سینما بود لزومی بر شرکت همه فیلم‌ها در فستیوال وجود نداشت با این حال همه فیلمسازان متقاضی شرکت در جشنواره بوده و با درجه بندی آثار تکلیف یکساله سینما مشخص می شد اما از نیمه دهه ۷۰ شرایط و اوضاع سینما تغییر کرد و از سال ۱۳۷۷ تعداد فیلم‌های جشنواره به ۲۵ اثر رسید که با تغییر مدیریت سیف الله داد روند به روال گذشته بازگشته و فیلم‌های زیادی به جشنواره راه یافتند. تقریباً از ابتدای دهه ۸۰ تکلیف مدیران با جشنواره نامشخص شد و جریان رونق بخشیدن به سینما منتفی شد چرا که براین عقیده بودند که سینما به اهداف خود در گذشته رسیده لزومی به تلاش مجدد برای احیای سینما وجود ندارد. ما از اواخر دهه ۷۰ عملاً در بلاتکلیفی مدیران به سر می بریم و حتی در مواقعی با وجود فیلم‌های مضر در فستیوال‌ها به چالش رسیده ایم. در حال حاضر بسیاری از سینماگران با وجود امکان تبلیغ و مطرح شدن آثار خود در سینما، علاقه ای به حضور در جشنواره ندارند چرا که با وجود رسیدن در سی و هفتمین دوره جشنواره، با بی خاصیتی سینما روبرو هستیم و هنوز روال دوره‌های اول را در پیش گرفته ایم. تکرار تغییر و تحول در مدیران و کادر اجرایی جشنواره نیز بر بی رونقی سینما تاثیرگذار بوده است. بنابراین وجود جشنواره فیلم فجر با روند تغییرات مدیران نه تنها سودی ندارد بلکه برای سینمای ایران زیان آور است. اکران مکرر فیلم‌ها، و اظهار نظرهای مختلف درباره محتوا، تازگی و جذابیت را از مخاطب سلب کرده و رغبت تماشاگران فیلم را از بین برده است در واقع سیاست گذاری‌های نا به جای مدیران جشنواره شور و انرژی رونق سینما را در دیگر ایام سال از بین برده است. بخش رسانه ای متعلق به مدیران جشنواره تا حدی قابل مدیریت است و تنها به کیفیت جشنواره دسترسی مناسب دارند اما به علت کمبود برنامه ریزی مناسب در روند احقاق کیفیت نیز دچار مشکل هستیم. مستأجر بودن جشنواره فیلم فجر بعد از ۳۷ دوره برای جامعه هنر ما شرم آور است و همه مدیران سازمان سینمایی و مسئولان و دبیران جشنواره باید از این فاجعه شرمگین باشند. چرا که به اندازه ساختمان‌های بلامصرف شهر نیز برای جشنواره ارزش قابل نشده ایم. سی و هفت دوره است که جشنواره برگزار می شود ولی هنوز این رویداد سینمایی مستأجر است از این مسأله همه مدیران سینمایی باید شرمگین باشند در طول سال در تهران این همه پاساژ ساخته می شود آیا جایی برای یک جشنواره وجود ندارد؟

وابستگی فجر به دولت منجر به اعمال سلیقه مدیران شده است

مهدی شیخ صراف: با توجه به مقایسه آماری دو سال اخیر در ایران هر ۱۲ روز، یک جشنواره سینمایی داریم و تا حد زیادی به تنوع جشنواره‌ها رسیده ایم. در تکمیل نظرات آقای افخمی، معتقد هستم جشنواره فیلم فجر بستری برای دیده شدن ندارد و با وجود ساز و کاری معیوب، تنها فرصتی ۱۰ روزه به همه بخش‌های جشنواره برای دیده شدن آثار داده شده است. جشنواره فیلم فجر اولین و آخرین فرصت فیلمسازان برای دیده شدن است اما وابستگی جشنواره به دولت منجر به اعمال سلیقه ای مدیران شده و تغییرات زیادی را به همراه داشته است. نبود مکان ثابت برای جشنواره یکی از مشکلات سینمای امروز است و به نظر میرسد تحولات این جشنواره از تغییر مدیران بیشتر بوده است. تقابل دو نگاه به رویکرد جشنواره فیلم فجر خود معضل بزرگ تبدیل شده است که از طرفی به مثابه ویتیرینی برای سینمای ایران تلقی می شود و از سوی دیگر اعطای جشنواره به حاکمیت و القای مفهوم آن به پیروی از مفهوم انقلاب اسلامی است که در این حالت باید همه فیلم‌ها نگاهی به انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن در جمهوری اسلامی ایران داشته باشد که با توجه به اهمیت جشنواره فیلم فجر در حفظ حیات سینما، بررسی این دیدگاه‌ها دور از انتظار نیست چرا که تنها فستیوالی است که حکومت در برگزاری آن نقش داشته و رویدادی مهم تلقی می شود. در حال حاضر تردد دولت‌ها مهمترین آفت جشنواره‌های فیلم است. نجات بلاتکلیفی جشنواره مستلزم ثبات مدیریت و راهکار حل تمایزات میان شکل جشنواره‌ها و تعداد داورها است.

در سینمای امروز همه توابع، سازش کاران و پروژه بگیران سینما را به دست گرفته اند

محمد تقی فهیم: علاقه شدید من به جشنواره فیلم فجر تا حدی است که یازده ماه سال را در انتظار شروع جشنواره می مانم و در ۳۳

دوره آن به طور مستمر شرکت کرده ام و مدام نگران از هم پاشیدگی آن هستم اما علاقه شدید به این رویداد مانعی برای انتقادهای سازنده به جشنواره نیست. از نظر بنده جشنواره فیلم فجر در زمان مدیریت سیف الله داد و شمقدری به علت هدایت بستر مدیریت توسط سینماگران عملکرد خوبی را برای سینمای ایران رقم زده است. در این دوران بروز اتفاقات خوب در سازمان سینمایی و پی ریزی سازمان جشنواره‌ها به عنوان اصول اولیه برگزاری جشنواره‌های فیلم ما را با سینمای حرفه ای به نحوی شایسته ای روبرو کرده است. جشنواره با وجود فیلم‌ها معنا پیدا میکند و نمایشگر واقعیت فیلم‌ها است. وجود ممیزی در فضای جشنواره و استفاده و پتیرینی از آن به عنوان فیلتری برای تایید فیلم‌ها کیفیت سینما را دستخوش تغییرات قرار داده است بنابراین جشنواره فیلم فجر حاصل و نمایشگر کیفیت سینمای ایران است. برخلاف نظر دیگر سینماگران بنیان گذاری غلط جشنواره مشکل اصلی سینمای امروز است که همانند دیگر کشورهای صاحب سینما باید متناسب با تعهدات به اهداف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورها عملکرد مناسبی را در دستور کار خود قرار دهد این در حالی است که اهداف سینمای ما در طول تاریخ بر خلاف آرمان‌های رهبران قدرتمند بوده و قشر هدایت کننده کشور را فارغ از فرهنگ و هنر با دغدغه‌های اعتقادی، مذهبی و سیاسی همراه کرده و مسیری خلاف جهت سینما را طی کرده است. در سینمای امروز همه توابعین، سازش کاران، پروژة بگیران سینما را به دست گرفته اند و الگوی نامناسبی را در ادوار مختلف به خصوص زمان مهدی کلهر که داعیه جریان مذهبی درسینما بوده است تا بهروز افخمی که در پس اعتقادات مذهبی برنامه‌های خاص داشت، منجر به کج روی سینما بر اساس الگوی عقب مانده شده و جشنواره را با این سیاست‌های عقب مانده هدایت کرده اند. کسانی که سیاستگذار محسوب می شوند اگر صاحب تخصص و متد اصلی نباشند همانند حضور بسیاری از افراد به استناد نفوذ و رایزنی در این جریانات، همچنان مسیر سینما به بیراهه می رود. ما نه تنها هدایت مسیر سینما به راه درست موفق نبوده ایم بلکه با ایجاد ممیزی بلای جان سینما شده ایم. در دهه ۶۰ در راستای هدایت سینما دست بازی داشته ایم و در راستای مسایل اصولی به درستی رفتار کرده ایم. نمونه بارز آن حمایت امام راحل از فیلم پاییز صحرا بوده است. ایجاد ممیزی‌های بی مورد منجر به حذف گرایش‌های اجتماعی از فیلم‌ها شده و درقبال آن حجاب‌ها را به بیراهه کشانده است که این پارادوکس ناشی از عدم انسجام دیدگاه و سیاست‌های مناسب است که هیچ هیجانی را برای مخاطب اصلی سینما ندارد.

بهروز افخمی در واکنش به صحبت‌های فهیم افزود: من دهه ۶۰ در تلویزیون بوده ام. من فکر می کنم به اندازه کافی گذشته را تکرار کرده ایم و گفتن این مطالب جذائیتی برای نسل جدید نداشته باشد. به هر حال معتقدم تکرار تاریخ روند خوبی نیست، حرف‌های کلیشه ای و مقایسه جشنواره فجر با جشنواره‌های دیگر کشورها من را خسته کرده و به کلیشه ایرادگیرانه منتقدان جشنواره تبدیل شده است. بخش اعظمی از درآمد جشنواره‌های فیلم خارجی از بازار فیلم به دست می آید که دستیابی به آن هم مستلزم وجود فیلم‌های متنوع در آن است که فارغ از هرگونه سانسور مشارکت کشورهای مختلف را به دست میگیرد.

ما باید به این فکر کنیم که ژست روشنفکری هیچ نقشی در سینمای دنیا ندارد اما برخی از مدیران فکر می‌کردند سینمای آنها انتقادی و اجتماعی است در حال که باعث کاهش تماشاگران سینما شد و وقتی این اتفاق افتاد این ضرورت احساس شد که مردم باید به سینما برگردند. به همین دلیل من در برنامه هفت گفتم که در دوره ای سینمای ما توسط سینماگران پر مدعای کم مایه از بین رفت. با این حال در حال حاضر اگر فیلم فیلمسازی سیاه نما و غرغرو نباشد به سختی می‌تواند اکران بگیرد.

فجر یک جشنواره داخلی است که امکان ایجاد این شرایط نیز در آن وجود ندارد. کسانی که این پیشنهاد را می‌دهند توقع دارند ایران با ۱۰ فیلم وارد عرصه رقابت با کشورها شده و ظرفیت کم سینمای ایران را به گوش بین‌الملل برسانند. توجه به این حاشیه‌ها یعنی تعطیلی جشنواره فیلم فجر، هدایت جشنواره به سمت سبک و روش اسکار و یا حتی واگذاری ظرفیت جشنواره به خانه سینما تا از طریق رای گیری سالانه خانه سینما، برترین‌ها انتخاب شده و جشنواره را کلاً تعطیل کنند. بیات این مباحث انگیزه ای ندارد. ما نمیتوانیم جشنواره ای داخلی را بدون داشتن بازار فیلم وارد رقابت با جشنواره ای نظیر کن کنیم و کسانی که این مطلب را انتقاد می‌دانند به طور قطع اطلاعاتی از جشنواره و فیلمسازی ندارند. انتقال سینما به فضای مجازی و موبایل و غیره الزام در مدرسه سینما را منتفی کرده است بنابراین بقای جشنواره فیلم فجر منوط به طراحی سیاست‌های بومی است. من پیشنهاد می‌دهم جشنواره فیلم فجر با توجه به رکود سالن‌های سینما در فصل زمستان در طول یک ماه برگزار شود. تا فضای برای تقویت اقتصاد فیلم‌های جدی هم فراهم شود.

مجری سابق برنامه هفت تأکید کرد: ما باید به این فکر کنیم که ژست روشنفکری هیچ نقشی در سینمای دنیا ندارد اما برخی از مدیران فکر می‌کردند سینمای آنها انتقادی و اجتماعی است در حال که باعث کاهش تماشاگران سینما شد و وقتی این اتفاق افتاد این ضرورت احساس شد که مردم باید به سینما برگردند. به همین دلیل من در برنامه هفت گفتم که در دوره ای سینمای ما توسط سینماگران پر مدعای کم مایه از بین رفت. با این حال در حال حاضر اگر فیلم فیلمسازی سیاه نما و غرغرو نباشد به سختی می‌تواند اکران بگیرد.

افخمی با اشاره به پیشنهادش برای تغییر این شرایط عنوان کرد: طرح من این است که جشنواره یک ماه در سراسر کشور برگزار شود به طوری که در ۱۰ روز اول آثار مستند، انیمیشن و فیلم اولی مسابقه جداگانه داشته باشند و در پایان ۱۰ روز جایزه بگیرند و تعدادی از آنها به مسابقه اصلی بروند. در ۱۰ روز سوم هم اکران فیلم‌های پربیننده ادامه داشته باشد. در این صورت فیلم‌هایی که نمی‌توانند اکران بگیرند به راحتی دیده می‌شوند.

محمود گبرلو در این بخش عنوان کرد: طرح آقای افخمی توهم‌زاست و عملی نیست و اصلاً ربطی به سیاست‌های جشنواره ندارد. رویکرد جشنواره در عصر امروز بسیار تغییر کرده است و هر جشنواره‌ای خاصیت خود دارد. وقتی مدیران پوسیده و کوتوله برای سینما انتخاب می‌شود نگاه عمیق که همان توسعه است محقق نمی‌شود. وقتی اندیشه‌های عمیقی وجود ندارد حاصلش این می‌شود که فیلم‌های بد می‌بینیم.

وی ادامه داد: ضمن اینکه برخی منتقدان مخرب، افکار عمومی را بر علیه جشنواره و سینمای ایران کرده‌اند یعنی آنقدر علیه سینمای ایران حرف زده‌اند که جای دفاعی باقی نگذاشته‌اند. هرچند پس از انقلاب بیش از پنج هزار فیلم تولید شد اما همین منتقدان با حرف‌های خود باعث شده‌اند نتوانیم از سینما دفاع کنیم. این منتقدان نمی‌خواهند به توسعه با سینما باور داشته باشند.

گبرلو مجدد تأکید کرد: مدیران کوتوله اصلاً فهم این موضوع را ندارند. برخی مدیران سینمایی هستند که نگاه پوسیده دارند و می‌گویند فجر باید مثل مثل کن باشد ما از لحاظ ماهیتی نمی‌توانیم مثل آنها باشیم همین موضوع باعث شده هنرمندان ناخودآگاه بر علیه جشنواره فیلم فجر باشند. این نشان دهنده این است که فهم درستی از جشنواره فجر وجود ندارد. ضمن اینکه در حال حاضر فیلمسازان قدرتمندی وجود دارند که می‌شود آنها را با فجر معرفی کرد البته منوط به اینکه جشنواره ماهیت داشته باشد.

در این بخش فهیم با اشاره به صحبت‌های گبرلو درباره منتقد مخرب خطاب به او گفت: یکبارہ بگوئید منظورتان فراستی است!

گبرلو نیز اظهار کرد: نه منظورم امثال فراستی‌هاست. ما باید همه چیز را آسیب‌شناسی کنیم. منتقد مخرب کاری کرده است که همه فکر می‌کنند ما اصلاً سینما نداریم برخی می‌گویند فیلم ما سیاه است در حالی که به نظرم ما اصلاً فیلم سیاه‌نما نداریم.

پس از این موضوع افخمی خطاب به گبرلو گفت: شما مثل تکنوکرات‌ها هستید.

امین نیز در واکنش به همین صحبت گبرلو اظهار کرد: شما محافظه کار هستید که گبرلو در ادامه گفت: من محافظه کار هستم؟ من که زودتر از همه منتقد وضعیت موجود بودم.

امین در بخش دیگر از صحبت هایش عنوان کرد: برخی فیلم‌ها احتیاجی به جشنواره ندارند و اصلاً برایشان بهتر است که در جشنواره

نباشند. طرحی که افخمی گفت نامش جشنواره نیست چراکه اصلا ساز و کار اکران دست جشنواره نیست.

وی در ادامه با اشاره به اینکه بهتر است حسابگری‌های شخصی را کنار بگذاریم، توضیح داد: اگر عده‌ای در جشنواره شرکت نمی‌کنند به این دلیل است که فکر می‌کنند برای آنها بهتر است که در جشنواره نباشند چراکه فیلم‌ها آنها در این فستیوال آنقدر تخریب می‌شوند که فکر می‌کنند حضور نداشتن‌شان بهتر است.

این منتقد اظهار کرد: به تازگی شنیده ایم که برخی می‌گویند فیلمی که در جشنواره حضور نداشته باشد اولویت اکران ندارند، مگر آژان کشی است که این حرف‌ها گفته می‌شود؟

در ادامه شیخ‌صراف با بیان اینکه برای بهبود وضعیت و داشتن آینده بهتر، خوب است که گذشته را مرور کنیم، عنوان کرد: جشنواره فیلم فجر مثل یک شتر مرغ است که وقتی می‌گوییم بار ببر می‌گوید من مرغم و وقتی می‌گوییم تخم بگذار می‌گوید من شترم. در واقع ساز و کار آن مشخص نیست مشکل اصلی این است که در حال حاضر هیچ چیزی تعریف نمی‌شود.

فهمیم در ادامه بیان کرد: چرا باید فکر کنیم منتقد می‌تواند مخرب باشد؟ منظور آقای گبرلو درباره منتقد مخرب، آقای فراستی بود. بنابراین بهتر است این خبر را بدهم که طبق آخرین خبری که دریافت کرده‌ام فراستی مجدد منتقد ثابت برنامه هفت شده است.

در همین بخش گبرلو اظهار کرد: منظور من فراستی نبود من اصلا نامی نبردم. که فهمیم خطاب به او گفت: کدهایی که دادید مربوط به فراستی بود اما در پاسخ به شما باید بگویم فراستی در قبال برخی منتقدان خارجی بسیار نرم‌تر عمل می‌کند من بلد نیستم ولی اگر بلد بودم مثل فراستی می‌شدم.

وی با بیان اینکه دیپلمات نیست اظهار کرد: من برابر جشنواره‌هایی همچون برلین و کن قطعا از سینمای خودمان دفاع می‌کنم اما این سینما، سینمای آرمانی من نیست. با این وجود باید بگویم ما امروز سینمای تکنیکی داریم، بازیگران ما کلاس بازیگری برگزار می‌کنند من از این ساختار دفاع می‌کنم اما این سینما جزو آرمان‌های من و قابل دفاع نیست ولی در قبال بیگانگان حتما از آن دفاع می‌کنم اما می‌دانم این سینما آن سینمایی نیست که من به خاطرش انقلاب کردم.

سپس افخمی اظهار کرد: سینما پوست انداخته و باید باز تعریف شود.

گبرلو هم عنوان کرد: رمز موفقیت جشنواره در پیدا کردن ماهیت مردمی خودش است البته این موضوع به این معنا نیست که فیلم‌های مبتذل یا خاص در جشنواره رواج پیدا کند.

شاهین امین در ادامه بیان کرد: جشنواره جای فیلم‌ها و تماشاگران جدی است و باید امکان دیده شدن چنین فیلم‌هایی فراهم شود. نکته دیگر این است که در این سال‌ها جشنواره پر از عصبیت شده است به طوری که چه راه یافتگان به آن چه راه نیافتگان، چه جایزه بگیران و چه آنهایی که از جایزه محروم شده‌اند عصبی هستند، گویا ما می‌خواهیم همدیگر را بدریم و این حجم از عصبیت را نمی‌فهمم در حالی که جشنواره برای این است که از آن لذت ببریم اما این همه عصبیت، فحاشی و پرخاشگری یکی از آفت‌های جشنواره است که زیان‌های زیادی دارد.

در این بخش فهیم خطاب به صحبت‌های امین گفت: این عصبیت ناشی از بی عدالتی است، بی عدالتی هر کجا باشد عصبیت هم وجود دارد. که امین هم عنوان کرد: البته بخشی از این عصبیت به خاطر توقع بی‌جاست؛ گویا فیلمسازان ما لوس شده‌اند.

در پایان شیخ‌صراف اظهار کرد: جشنواره محل فیلم‌های جدی و سطح بالاست و باید آثار در این جشنواره محک بخورند.

شایان ذکر است سلسله نشست‌های گفتمان فرهنگی انقلاب در ادامه با حضور سینماگران و مدیران سینمایی به موضوع جشنواره فیلم فجر؛ فرصت‌ها و تهدیدها خواهد پرداخت.